

نقد مقاله:

«بررسی تطبیقی شعر و اندیشه تی.اس. الیوت و احمد شاملو بر اساس مؤلفه‌های مدرنیته»^۱

آدینه خجسته‌پور

دانشجوی دکتری ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز

چکیده

دیرزمانی نیست که استقبال فزاینده‌ای را از ادبیات تطبیقی در ایران شاهد هستیم. این استقبال گرچه ممکن است از برخی جهت‌ها اتفافی فرخنده به‌شمار آید، نیک که بنگریم چندان خوشایند نیست. روی آوردن به ادبیات تطبیقی بدون درک صحیح مبانی و چارچوب‌های نظری آن، این رشته را با بحرانی جدی روبه‌رو کرده است. در ایران، ادبیات تطبیقی به دلایل مختلف، از جمله سهل ممتنع بودن، نداشتن روش تحقیق منسجم و مشخص و مهجور ماندن به لحاظ چارچوب‌های نظری سخت آسیب دیده است. جذابیت تطبیق و مقایسه دو شخصیت یا پدیده مختلف از دو فرهنگ یا زمینه متفاوت به تنهایی می‌تواند نقطه آغاز پژوهشی تطبیقی شود؛ اما بی‌تردید کافی نیست. برای انجام پژوهشی روش‌مند و دقیق آشنایی دقیق‌تر با مبانی نظری این حوزه لازم است و گرنه ممکن است پژوهش چیزی بیش از «سیاهه‌ای از تشابهات کم‌اهمیت» نباشد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات تطبیقی، شباهت، مدرنیسم، الیوت، شاملو.

۱. مقدمه

اگرچه ممکن است استقبال فزاینده از ادبیات تطبیقی در ایران از برخی جهت‌ها اتفافی فرخنده به‌شمار آید، نیک که بنگریم چندان خوشایند نیست. در کشور ما روی آوردن به ادبیات تطبیقی بدون درک صحیح مبانی و چارچوب‌های نظری آن، این رشته را با بحرانی جدی روبه‌رو کرده است. توجه جدی به نقد و بررسی پژوهش‌های انجام‌شده می‌تواند در هدایت ادبیات تطبیقی به سمت مسیر علمی صحیح خود مؤثر باشد. به همین منظور، نوشتار پیش‌رو مقاله «بررسی تطبیقی شعر و اندیشه تی.اس. الیوت و احمد شاملو براساس مؤلفه‌های مدرنیته» به قلم حسن اکبری بیرق و نرگس سنایی را نقد و بررسی کرده است.

۲. شخصیت‌های مورد مقایسه

خشت اولی که مقاله براساس آن بنا نهاده شده، یعنی موارد و مبنای مقایسه، مستحکم نیست. نویسندگان مقاله دو شاعر را که به‌لحاظ اندیشه، عمل و شناخت و انتظارات از ماهیت و هدف شعر، تفاوت‌های اساسی با هم دارند، در زمینه مشترکی با عنوان «مدرنیسم» قرار داده و با فرض اینکه دو شاعر مورد بررسی در شرایط اجتماعی و سیاسی یکسانی زیسته‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که «شرایط زیستی مشابه همواره می‌تواند آثار ادبی همگونی پدید آورد.» (اکبری بیرق و سنایی، ۱۳۹۱: ۴۳). بی‌شک، برای پژوهشی روشمند «باید به لایه‌های زیرین تأثر و تشابه توجه کرد. به سخن دیگر، مسئله اصلی چرایی و چگونگی این رویداد است، نه تشریح خود رویداد.» (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۳۷). به‌طور قطع، در مقایسه باید مشابهت‌ها و رگه‌های ارتباطی قوی وجود داشته باشد. شاید اگر نویسندگان مقاله از زاویه نوآوری‌های شکلی و زبانی این دو شاعر را بررسی می‌کردند، بدون اصرار بر اینکه همسانی‌های فرهنگی لزوماً به خلق مضامین مشابه می‌انجامد، پژوهش قابل قبول‌تری انجام می‌دادند. اما نویسندگان اصرار دارند دامنه تشابهات را به بعد اندیشه و مضمون بکشانند و این تأکید درباره دو شاعر انتخاب‌شده منطقی به‌نظر نمی‌رسد.

احمد شاملو (۱۳۰۴ - ۱۳۷۹ ش) پیش از هرچیز شاعری اجتماعی و متعهد است که به اوضاع نابسامان و خفقان و اختناق زمان خود پاسخ‌هایی زیبایی‌شناسانه می‌دهد. او همواره در مسائل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اظهارنظر می‌کند تا جایی که برخی معتقدند شاملو شاعری سیاسی بوده است. واکنش جدی شاملو به اوضاع سیاسی روزگارش از عنفوان جوانی‌اش آغاز می‌شود. دوره نوجوانی او هم‌زمان با جنگ جهانی دوم و اشغال ایران به دست متفقین بوده است. ساختار ذهنی شاملو در متن مرادفات اجتماعی و اندیشه‌های انقلابی شکل می‌گیرد تا جایی که برخی او را در ردیف شاعران انقلابی سرشناسی مانند مایاکوفسکی، ناظم حکمت، لورکا، پابلو نرودا و... قرار می‌دهند. شاملو شعر را «حربه خلق» می‌داند و درباره آن می‌گوید: «هیچ وقت تصور نمی‌توانم بکنم که شعر اثر مستقیم زندگی نباشد یا چیزی باشد جدا از ضربه‌های زندگی. من فکر می‌کنم این اصلاً صدای آن ضربه‌هاست.» (به نقل از پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

از سوی دیگر، تی.اس. الیوت (۱۸۸۸ - ۱۹۶۵ م) با اینکه یکی از برجسته‌ترین و نوآورترین شاعران مدرن شناخته شده، از نظر اجتماعی و سیاسی، شاعری محافظه‌کار دانسته شده است. دیدگاه سنت‌گرای او درباره چپستی و هدف شعر که در مقاله «سنت و استعداد فردی» به روشنی بیان شده، بر «ادامه راه و وفاداری به گذشته» تأکید می‌کند (Cooper, 2006: 32). این تناقض و ابهام در شعر و اندیشه اجتماعی الیوت بسیاری از علاقه‌مندان را دچار شگفتی کرده است. برای مثال، اسکراتون^۲ اظهار شگفتی می‌کند که چرا:

بزرگ‌ترین مدرنیست ادبی ما بزرگ‌ترین محافظه‌کار مدرن نیز هست. شخصی که اندیشه‌های قرن نوزدهمی ادبیات را برانداخت و در راه به عصر شعر آزاد، بیگانگی و تجربه باز کرد، کسی است که در سال ۱۹۲۸ خود را با عنوان «کلاسیست در ادبیات، سلطنت‌طلب در سیاست، و آنگلو-کاتولیک در مذهب»

معرفی می‌کند (2012: Par. 8).

۳. مدرنیته و مدرنیسم، مبنای مقایسه

نویسندگان مقاله مدرنیته و مدرنیسم را «زمینه و زمانه» همسان این دو شاعر برشمرده‌اند: «الیوت تحت تأثیر جنگ جهانی و دوران مدرنیسم بوده و شاعر ایرانی هم کودتای ۲۸ مرداد و همچنین جنگ جهانی دوم و دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن را تجربه کرده است.» (اکبری بیرق و سنایی، ۱۳۹۱: ۴۵). به نظر می‌رسد نویسندگان به تفاوت‌های ظریف، اما بسیار مهم مدرنیسم و به‌طور کلی فضای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که دو شاعر در آن زیسته‌اند توجهی ندارند. جریانی که با عنوان مدرنیسم ادبی در ایران می‌شناسیم، هم‌زمان با انقلاب مشروطه و با شخصیت‌هایی مانند نیما و هدایت درحال به بار نشستن بود. مدرنیسم در ایران با مدرنیسم در غرب تفاوت‌های اساسی دارد. بخش مهمی از تلاش‌های انقلابی نیما، هدایت، جمالزاده و دیگران وارد کردن زبان مردمی به ادبیات رسمی و احیای هویت ملی از این راه بود؛ درحالی که مدرنیسم در غرب با روگردانی شدید از سنت‌ها و باورهای غرب صورت گرفت. بخش مهمی از این روگردانی به تأثیر جنگ جهانی اول برمی‌گردد. به‌گفته ابرامز و هارفم: «فاجعه جنگ جهانی اول باور به پایه‌های اخلاقی، انسجام و دوام تمدن غرب را متزلزل کرد.» (2009: 202). این تزلزل ناکافی بودن «سبک‌های سنتی ادبی در بازنمایاندن واقعیت‌های خشن و ناهنجار پس از جنگ» را در پی داشت (همان‌جا). بیشتر مدرنیست‌ها به «بحران تمدن قرن بیستم» که خود «سقوط جهان در ورطه آشوب، [و] انحطاط» را در پی داشت، معتقد بودند (Mikics, 2007: 191). الیوت، یکی از سردمداران مدرنیسم، سبک‌های سنتی ادبی را که نشان‌دهنده یک نظم اجتماعی ثابت هستند، برای بازنمایاندن «چشم‌انداز وسیع پوچی و هرج و مرج که تاریخ معاصر را تشکیل می‌دهد» کافی نمی‌دانست (به نقل از Abrams & Harpham, 2009: 202). مدرنیسم غرب بسیار متأثر از «متفکرانی همچون نیچه، مارکس، و فروید» بود (همان‌جا). پس اگر انقلابی در سبک صورت می‌گیرد، برای بازنمایاندن پوچی و سردرگمی حاکم بر فضاست نه فقط برای نو شدن. دقت کنیم که هدف این نیست که در پژوهش تطبیقی موارد مقایسه کاملاً با هم یکسان باشند؛ اما آنچه با عنوان «زمینه» مقایسه معرفی می‌شود و چیزی که از مشابهت‌های موارد مقایسه نتیجه می‌گیریم، باید از نوعی وحدت برخوردار باشد. ضمن اینکه جریان‌سازی مدرنیسم که نویسندگان مقاله الیوت را نماینده آن می‌دانند، در ایران بیشتر با شاعری مانند نیما قابل مقایسه است.

۴. مفاهیم مورد مقایسه

نویسندگان سپس به سراغ مفاهیم و مضامین مشترک رفته و با بررسی چند نمونه از مؤلفه‌های مدرنیته در شعر دو شاعر نتیجه گرفته‌اند که «شرایط زیستی مشابه همواره می‌تواند آثار ادبی همگونی پدید آورد.» (اکبری بیرق و سنایی، ۱۳۹۱: ۴۵). ناهمگونی دو شخصیت مورد مقایسه در این مفاهیم «مشترک» آشکارا جلوه می‌کند. اگرچه مضامینی مانند شهر و عصر نو، نقد دنیای صنعتی، پوچ‌انگاری و... در شعر مدرن فراوان یافت می‌شود، سؤال اینجاست که آیا صرف برشمردن چنین مضامینی در آثار دو شاعر برای به‌دست آوردن این نتیجه که «شرایط زیستی مشابه همواره می‌تواند آثار ادبی همگونی پدید آورد» کافی است.

نویسندگان به مواردی از جمله «عشق» اشاره می‌کنند که به‌هیچ‌وجه از مؤلفه‌های اصلی شعر «مدرن» نیست. جالب اینجاست که نویسندگان نتیجه می‌گیرند که عشق در اندیشه‌ی شاملو و الیوت «به‌گونه‌ای کاملاً متفاوت جلوه کرده است»؛ زیرا «در شعر شاملو عشق با دغدغه‌های اجتماعی، سیاسی و فلسفی‌اش گره خورده است؛ حال آنکه در شعر الیوت این‌گونه نیست.» (همان، ۵۷). شاید اگر نتیجه‌ی بررسی تطبیقی عشق در شعر دو شاعر در سایر موارد لحاظ می‌شد، در کل پژوهش بازنگری می‌شد. همان‌طور که پیشتر گفته شد، تعهد در شعر شاملو یک اصل انکارنشدنی است. دغدغه‌های اجتماعی و به‌ویژه سیاسی شاملو هرگز از شعرش جدا نبوده است. عقیده به تعهد در شعر «عقیده‌ای است که شاملو در تمام دوره‌ی شاعری خود نسبت به آن وفادار مانده است.» (پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۴۶). به‌باور پورنامداریان، حتی کانون تأثر عاطفی شعر شاملو نیز دفاع از همین عقیده‌ی تعهد هنری و تأکیدی بر بیهودن بودن زیبایی و هنری است «که در خدمت مردم و حقایق سیاسی و اجتماعی و انسانی نباشد.» (همان‌جا). همان‌طور که روشن است و نویسندگان نیز اشاره می‌کنند، شاملو به مدرنیته در تمام ابعاد آن دلبستگی داشت و هرگونه سنت‌گرایی را رد می‌کرد. بنابراین، اگر شاملو از «عصر عظمت‌های غول‌آسای عمارت‌ها/ و دروغ/ عصر رمه‌های عظیم گرسنه‌گی/ و وحشت‌بارترین سکوت‌ها/ هنگامی که گله‌های عظیم انسانی به دهان کوره‌ها می‌رفت» (۱۳۸۵: ۵۱۷) سخن می‌گوید، مرادش چیزی فراتر از نکوهش زندگی

ماشینی عصر حاضر است. در همین سطرها استفاده از صیغه ماضی فعل «رفتن» تأکیدی بر این نکته است. در ادامه همین شعر می‌گوید: «و یک‌دستی مضامینی از این‌گونه است/ که شهر را به هیأت غزلی می‌آراید/ با قافیه و ردیف/ و مصراع‌ها همه هم‌ساز/ و نمای نردبانی ظاهرش که خود شعار تعلی‌ست» (همان‌جا). پس شاملو در این شعر لزوماً به عصر مدرن نمی‌تازد؛ بلکه به سنت‌ها و اندیشه‌ای که در این عصر همچنان به شعار دادن ادامه می‌دهد و نیز به تفکر بسته‌ای که بی‌اعتنایی و سکوت وحشت‌بار در برابر اقتصاد فلج، گرسنگی و قتل‌عام انسان‌ها و درنهایت نادانی و سقوط انسان‌ها به هیئت «گله‌ها» را به دنبال دارد می‌تازد.

در باره سایر مفاهیم نیز کم‌وبیش این ناهمخوانی وجود دارد. برجسته‌ترین این مفاهیم «یأس و پوچ‌انگاری» است. نویسندگان به ریشه داشتن نیهیلیسم در فلسفه اگزیستانسیالیسم و متفکرانی مانند کیرکگور و هایدگر اشاره کرده و آن را بر جهان مدرن حاکم دانسته‌اند که اشارات درستی است و در بحث مدرنیسم نیز به سرگردانی و پوچی حاکم بر فضا اشاره کردیم. مشکل از آنجا ناشی می‌شود که نویسندگان هر دو شاعر را متأثر از فلسفه نیهیلیسم می‌دانند، ناامیدی آن‌ها را «یأس فلسفی» قلمداد می‌کنند و از ریشه این یأس چیزی نمی‌گویند. شاید به کار بردن عبارت «یأس فلسفی» در مورد الیوت درست باشد؛ اما به‌طور قطع به‌تنهایی گویای حال و هوای شعر شاملو نیست. گفتیم که شعر شاملو شعر اجتماع است؛ بنابراین در تک‌تک مضامین شعری، از جمله یأس و پوچی، باید ردپای همین اجتماع را جست. در سال‌های پس از کودتای ۱۳۳۲ این یأس در شعرهایش به اوج خود می‌رسد. یأس شاملو نوعی پوچ‌انگاری اگزیستانسیالیستی نیست؛ بلکه یأس ناشی از شکست است؛ «یأس از بهبود وضع اجتماعی، یأس از برقراری تساوی و عدالت، و یأس از شور و جنبش مردم.» (پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۱۲۳). شاعر بارها با فریاد و خروش این مردم را به حرکت فراخوانده است: «و اگر تاج خاری نیست/ خودی هست که بر سر نهید/ و اگر صلیبی نیست که بر دوش کشید/ تنگی هست، [اسباب بزرگی/ همه آماده]» (به نقل از همان‌جا)؛ اما صدایی از آن‌ها نشنیده است. بنابراین، شعر ناامیدانه شاملو:

بازتاب خشم و اندوه و یأس و دل‌گرفتگی مفروطی است که از سنگینی آوار شکست به حاصل آمده است، نتیجه اندوه حاصل از مرگ مردانی است که مردانه در راه پیروزی جان گذاشته‌اند و فداکاری کردند؛ و نتیجه فروریختن آمال و آرزوهای مردی است که خود در راه پیروزی و برآوردن هدف، پای فرسوده است (همان، ۱۲۹).

نتیجه‌گیری مقاله نیز جای بحث دارد: «با تطبیق اندیشه‌های شاعران متفاوت از دو فرهنگ مختلف به این نتیجه می‌رسیم که تجربه‌های زیسته مشترک اغلب باعث پدید آمدن آثار ادبی مشابه و همسان می‌شود.» (اکبری بیرق و سنایی، ۱۳۹۱: ۶۴). در واقع، پژوهشگران همانندی میان مضامین دو شاعر را نتیجه شرایط زیستی یکسان آن‌ها می‌دانند. درباره شرایط زندگی و مضامین دو شاعر و اینکه تا چه حد «مشابهت» دارند بیشتر بحث شد و در اینجا به آن نمی‌پردازیم. اما به این نکته باید توجه کرد که حتی اگر هر دو مورد ذکر شده، یعنی شرایط زندگی و مضامین دو شاعر کاملاً مشابه باشند، باز هم این ادعا که مضامین مشابه نتیجه شرایط زندگی مشابه است صحیح نیست؛ زیرا شباهت در پدیده‌های ادبی می‌تواند ناشی از فرایندهای ذهنی دو شاعر باشد نه شرایط تاریخی آن‌ها.

۵. انجام سخن

ادبیات تطبیقی به دلایل مختلف، از جمله سهل ممتنع بودن، نداشتن روش تحقیق منسجم و مشخص و مهجور ماندن به لحاظ چارچوب‌های نظری در کشور ما بسیار آسیب دیده است. جذابیت تطبیق و مقایسه دو شخصیت یا پدیده مختلف از دو فرهنگ یا زمینه متفاوت به تنهایی می‌تواند نقطه آغاز پژوهشی تطبیقی شود؛ اما بی‌تردید کافی نیست. برای انجام پژوهشی روش‌مند و دقیق آشنایی دقیق‌تر با مبانی نظری این حوزه لازم است و گرنه ممکن است پژوهش چیزی بیش از «سیاهه‌ای از تشابهات صوری» (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۴۶) نباشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. حسن اکبری بیرق و نرگس سنایی، «بررسی تطبیقی شعر و اندیشه تی.اس. الیوت و احمد شاملو براساس مؤلفه‌های مدرنیته»، پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، س ۳، ش ۴ (۱۳۹۱)، صص ۴۳-۶۴.

2. Scruton

3. Abrams & Harpham

منابع

- اکبری بیرق، حسن و نرگس سنایی (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی شعر و اندیشه تی.اس. الیوت و احمد شاملو براساس مؤلفه‌های مدرنیته». پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. س ۳، ش ۴. صص ۴۳-۶۶.
- انوشیروانی، علیرضا (۱۳۸۹). «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در ایران». ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی نامه فرهنگستان. د ۱. ش ۲. صص ۳۲-۵۵.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۹۰). سفر در مه: تأملی در شعر احمد شاملو. تهران: سخن.
- شاملو، احمد (۱۳۸۵). مجموعه آثار (دفتر اول: شعر). تهران: نگاه.
- Abrams, M.H. & G.G. Harpham (2009). *A Glossary of Literary Terms*. 9th Ed. Boston: Wadsworth.
- Cooper, J.X. (2006). *The Cambridge Introduction to T.S. Eliot*. New York: Cambridge University Press.
- Mikics, D. (2007). *A New Handbook of Literary Terms*. New Haven: Yale University Press.
- Scruton, R. (2012). "T.S. Eliot as Conservative Mentor". *First Principles*. Retrieved on January 12, 2012: <http://www.firstprinciplesjournal.com/articles.aspx?article=1179&theme=home&page=2&loc=b&type=cttf>.

ترجمه منابع فارسی

- Akbari Beyragh, Hasan & Narges Sanaie (2012). "A Comparative Study of T.S. Eliot and Ahmad Shamlou based on the Elements of Modernity". *Journal of Comparative Language and Literature Research (Pažuhešhâye Zabân va Adabiyât-e Tatbiqi)*. Yr. 3. No. 4. Pp. 43- 66.
- Anoushiravani, Ali Reza (2010). "Pathology of Comparative Literature in Iran". *Comparative Literature Journal of Academy of Persian Language*

- and Literature (Viženâme- ye Adabiyât-e Tatbiqi Nâme-ye Farhangestân)*. Yr. 1. No. 2. Pp. 32- 55.
- Pournamdariyan, Taghi (2011). *Journey in the Mist: A Reflection on the Poetry of Ahmad Shamlou (Safar dar Meh: Ta'mmoli dar Še'r-e Ahmad Šamlu)*. Tehran: Sokhan.
 - Shamlou, Ahmad (2006). *Complete Works (Majmu'e Asâr)*. Tehran: Negah.